



مجموعہ آثار

علامہ سید مرتضیٰ عسکری

# برگسترہ کتاب و سنت

مترجم: محمد جواد کرمی



گریہ بر میت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# پر گسارہ کتاب و سنت

گریہ پر ہیبت

تألیف: علامہ سید مرتضیٰ عسکری

ترجمہ: محمد جواد کرمی

تصحیح و تنظیم: کرمرضا خزلی

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا  
اللَّهَ وَاليَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا). (سوره احزاب، آیه ۲۱)  
به راستی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) برای شما  
اسوه و سرمشق نیکویی است، برای آنان که به خدا و روز  
قیامت امید داشته و خدا را بسیار یاد می کنند.

مقدمه ناشر:

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(الحمد لله رب العالمين كثيراً كما هو أهله، و الصلاة والسلام على محمد وآله الطيبين الطاهرين، سيما بقیة الله فی العالمین، واللعنة على أعدائهم ومخالفیهم و منكری فضائلهم).

همانا انبیای الهی و در پی ایشان اوصیای آنها و در دوران غیبت علمای دین گشایندگان راه و روشن کنندگان مسیر الی الله هستند. مثل آنها مانند ماه و ستارگان در شب تاریک و ظلمانی است. سوسو زنان هدایتگر جا ماندگان در راهند.

انبیا و اوصیای ایشان طلیعه داران این مکتبند. علما و فقهاء پیروان ایشانند در دوران غیبت در شناسایی سیره انبیا و اوصیا که حقیقت اسلام است و در اعمال و حرکات و گفتار آنان تجسم شده است. این علما و فقهاء هستند که سره و ناسره را از هم جدا کرده و به کنکاش در حقیقت اسلام پرداخته و آن را در اختیار مردم قرار می دهند تا آنان را از غرق شدن در گرداب جهالت نجات دهند.

حضرت آیت الله علامه عسکری یکی از این شخصیت‌های نادر در جامعه اسلامی تشیع است که عمر شریف و با برکت خود را در تحقیق و تدبر در شناخت اسلام مکتب **اهل بیت (علیهم السلام)** گذرانده است. ایشان مباحث دینی را از جایگاه برخورد‌های سطحی به عمق تحقیق علمی کشاند و به دور از تعصبات مذهبی و با ادله مورد قبول دو مکتب **اهل بیت (علیهم السلام)** و مکتب خلفا به دفاع از مذهب تشیع پرداخت.

بدین سبب تألیفات معظم له در سراسر جهان اسلام اشتها خاصی یافته و به زبانهای مختلف ترجمه و منتشر گردیده است.

کتاب حاضر تدوین شده هفده جزوه بر گستره کتاب و سنت است که در سالهای قبل به صورت مجزا و در قطع جیبی چاپ گردیده است و شامل بررسی و پاسخهای جامع و مانع ایشان از مصادر و کتب معتبر اهل سنت به مسائل مطرح شده آنها علیه مکتب **اهل بیت (علیهم السلام)** است.

موسسه علمی فرهنگی علامه عسکری در جهت حمایت مادی و معنوی از فعالیتها و آثار علامه عسکری و گسترش هرچه بیشتر دامنه این فعالیتها در فعالیتها در سطح جوامع اسلامی تشکیل شده است.

روابط عمومی موسسه علمی فرهنگی علامه عسکری

## مقدمه

### (وحدت بر محور کتاب و سنت)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ  
السَّلَامُ عَلَى أَصْحَابِهِ الطَّيِّبِينَ الْمَيَامِينَ).

ما مسلمانان یکپارچه، از درون و از راه مسائل اختلافی با خود به نزاع  
برخاستیم و دشمنان اسلام از برون و از راهی که ندانستیم، وحدتمان را به  
تفرقه و شوکتان را به ضعف کشاندند تا از دفاع ناتوانمان کردند و بر ما  
چیرگی یافتند؛ در حالی که خدای سبحان فرموده است:

(وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِجَاكُمْ) (۱)

خدا و پیامبرش را اطاعت کنید و با یکدیگر نزاع نکنید که ناتوان  
شوید و قدرت و شوکت شما برود!

پاورقی:

۱- سوره انفال، آیه ۴۶.

آری:

(وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ) (۱)

هر مصیبتی به شما رسد، دستاورد خودتان است و خداوند بسیاری را نیز، می بخشد!

پس شایسته آن است که امروز و هر روز، به « کتاب و سنت » بازگردیم و وحدت کلمه خود را بر محور « کتاب و سنت » بازباییم که خدای متعال می فرماید:

(فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ) (۲)

اگر در چیزی نزاع کردید [حکم] آن را به خدا و رسول بازگردانید.

ما نیز، در این سلسله از بحثها به « کتاب و سنت » مراجعه کرده و ابزار روشنگر راهنما در مسائل مورد اختلاف را از « کتاب و سنت » می گیریم تا به اذن خدای متعال بار دیگر وسیله وحدت کلمه و یکپارچگی شود. امیدواریم دانشمندان و متفکران اسلامی نیز، در این میدان با ما همراهی نموده و دیدگاههای خود را برای ما ارسال دارند.

سید مرتضی عسکری

پاورقی:

۱- سوره شوری، آیه ۳۰.

۲- سوره نساء، آیه ۵۹.

## گریه بر میت



**الف)** روایاتی که می گوید: پیامبر بر متوفی گریست و بر آن ترغیب فرمود.

### ۱- گریه پیامبر (صلی الله علیه و آله) در بیماری سعد بن عبادہ

در صحیح مسلم از عبدالله بن عمر روایت کند که گفت:

« سعد بن عبادہ بیمار شد و رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، برای عیادت، همراه با عبدالرحمان بن عوف و سعد بن ابی وقاص و عبدالله بن مسعود به دیدار او رفتند. بر بالینش که رسیدند مدهوشش یافتند. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: آیا جان سپرده است؟ گفتند: نه، ای رسول خدا! پیامبر (صلی الله علیه و آله) به گریه افتاد. مردم نیز که گریستن رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را دیدند به گریه افتادند. فرمود: آیا نمی شنوید؟ خداوند بر سرشک دیده عذاب نمی کند، و بر اندوه دل نیز، ولی به خاطر این با اشاره به زبان خود عذاب می کند یا می بخشاید ». (۱)

## ۲- گریه پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر پسرش ابراهیم

در صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ابی داود و سنن ابن ماجه از انس بن مالک روایت کنند که گفت: (۲)

با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) وارد شدیم... ابراهیم در حال جان سپردن بود. چشمان پیامبر اشک ریزان شد، عبدالرحمان بن عوف گفت: ای رسول خدا! شما هم؟ فرمود:

« پسر عوف! این رحمت است ».

سپس بر آن افزود و فرمود:

[درست می بینی] « دیدگان گریان است و دل اندوهبار، ولی هرگز چیزی - جز آنچه که پروردگارمان را خشنود کند - بر زبان نیاوریم. ای ابراهیم! به راستی که ما از جدایی تو اندوهگینیم ». (۳)

این روایت در سنن ابن ماجه چنین است:

انس بن مالک گوید: هنگامی که ابراهیم پسر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) جان سپرد، پیامبر (صلی الله علیه و آله) به حاضران فرمود:

پاورقی:

---

۱- صحیح مسلم، ج ۲، ص ۶۳۶، کتاب الجنائز، باب ۶.

۲- عبارت از صحیح بخاری است.

۳- صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۸۰۸، کتاب الصبیان؛ سنن ابی داود، ج ۳، ص ۱۹۳، باب البكاء علی المیت؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۵۰۷؛ صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۵۸.

« او را در کفنهایش نپوشانید تا [برای آخرین بار] دیدارش

کنم »

سپس بر بالینش آمده بر روی او خم شد و گریست. (۱)

در سنن ترمذی آمده است:

جابر بن عبدالله گوید: پیامبر (صلی الله علیه و آله) دست عبدالرحمان بن عوف را گرفت و با وی بر بالین پسرش ابراهیم آمد و او را که در حال جان سپردن بود، در برگرفت و بر دامن نهاد و گریستن آغازید. عبدالرحمان بن عوف گفت: آیا گریه می کنی؟ مگر شما نبودی که از گریه کردن باز می داشتی؟ فرمود:

« نه، من از فغان و فریاد دو گروه احمق و سفیه گناهکار باز

داشتیم: آنان که هنگام مصیبت چهره می خراشند و گریبان می

درند و ناله های شیطانی سر می دهند » (۲)

### ۳- گریه پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر نوه خویش

در صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ابی داود و سنن نسائی روایت کنند: دختر پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای آن حضرت پیام داد: نزد ما بیا که، پسری از من جانسپار است. پیامبر برخاست و همراه با سعد بن عباد و مردانی از اصحاب خویش به دیدار آنها آمدند. کودک را که در حال نفس زدن

پاورقی:

---

۱- سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۴۷۳، کتاب الجنائز.

۲- سنن ترمذی، ج ۴، ص ۲۶، کتاب الجنائز، باب الرخصة فی البكاء علی الميت. این حدیث نزد علمای حدیث شناس مکتب خلفا حدیثی حسن است.

و جان دادن بود نزد آن حضرت آوردند. سرشک دیدگان پیامبر (صلی الله علیه و آله) به جوشش آمد. سعد گفت: ای رسول خدا! چه می بینم؟ فرمود:

«این رحمت و عطوفتی است که خداوند در دل‌های بندگان قرار داده است، و خداوند تنها بندگان رحیم و مهربان خود را مورد رحمت و بخشایش قرار می دهد.» (۱)

#### ۴- گریه پیامبر بر عمومی خویش حمزه

در طبقات ابن سعد، مغازی واقدی، مسند احمد و دیگر کتب مکتب خلفا روایت کنند:

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) - پس از جنگ احد - هنگامی که صدای گریه از خانه های انصار بر کشته هایشان را شنید، دیدگانش اشکبار شد و گریست و فرمود:

«ولی حمزه گریه کننده ای ندارد.»

سعد بن معاذ که آن را شنید به نزد زنان بنی عبدالاشهل شتافت و آنان را [به سوی پیامبر و تسلیت بر او و گریستن بر حمزه] فرا خواند. پیامبر (صلی

پاورقی:

---

۱- صحیح بخاری، کتاب الجنائز، باب قول النبی (صلی الله علیه و آله) یعذب المیت ببعض بکاء اهله علیه. کتاب المرضی، باب عبادۃ الصبیان، ج ۴، ص ۳ و ۱۹۱؛ کتاب التوحید، باب ان رحمۃ الله قریب من المحسنین؛ صحیح مسلم، کتاب الجنائز، باب البکاء علی المیت، ج ۲، ص ۶۳۶؛ حدیث ۱۱؛ سنن ابی داود، کتاب الجنائز، باب البکاء علی المیت، ج ۳، ص ۱۹۳، حدیث ۳۱۲۵؛ سنن النسائی، ج ۴، ص ۲۲، کتاب الجنائز، باب الأمر بالاحتساب و الصبر؛ مسند احمد، ج ۵، ص ۲۰۴، ۲۰۶ و ۲۰۷.

الله علیه و آله ) برایشان دعا کرد و آنان را بازگردانید. پس از آن واقعه، هیچیک از زنان انصار بر مرده ای نگریست مگر آنکه ابتدا بر حمزه کرد و پس از آن بر مرده خویش گریست. (۱)

#### ۵- گریه پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر شهدای جنگ موته

در صحیح بخاری روایت کند:

پیامبر (صلی الله علیه و آله ) [چگونه شهید شدن] زید و جعفر و ابن رواحه را، پیش از رسیدن خبر آنان، برای مردم توصیف کرد و فرمود:

« زید پرچم را بر گرفت و ضربت خورد و شهید شد! سپس جعفر پرچم را بر گرفت. او نیز شهید شد! پس از آن ابن رواحه پرچم گرفت و شهید شد. پیامبر (صلی الله علیه و آله) در حالی این سخنان را می فرمود که دیدگانش سرشک می ریختند! (۲)

پاورقی:

۱- این روایت را از شرح حال حمزه در طبقات ابن سعد، ج ۳، ص ۱۱، چاپ دار صادر بیروت، ۱۳۷۷ هجری آوردیم. مشروح تر آن در مغازی واقدی، ج ۱، ص ۳۱۵، ۳۱۷، آمده است. و نیز، امتاع الاسماع، ج ۱، ص ۱۶۳؛ مسند احمد، ج ۲، ص ۴۰؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۵۳۲، چاپ مصر؛ سیره ابن هشام، ج ۳، ص ۵۰؛ ابن عبد البر در استیعاب، و ابن اثیر در اسد الغابه نیز، فشرده آن را در شرح حال حمزه آورده اند.

۲- صحیح بخاری، ج ۲، ص ۲۰۴، کتاب فضائل الصحابة، باب مناقب خالد؛ البدایة و النهایة، ابن کثیر، ج ۴، ص ۲۵۵؛ سنن الکبری، بیهقی، ج ۴، ص ۷۰؛ انساب الاشراف، ج ۲، ص ۴۴۳؛ شرح ابن ابی الحدید بر نهج البلاغة، جزء ۱۵، ص ۷۳.

## ۶- گریه پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر جعفر بن ابی طالب

در استیعاب، اسد الغابه، اصابه، تاریخ ابن اثیر و دیگر کتب مکتب خلفا روایتی است که فشرده آن چنین است:

هنگامی که جعفر و اصحاب او به شهادت رسیدند، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به خانه او رفت، فرزندان را فرا خواند و آنان را در حالی که سرشک دیدگانش فرو می ریخت بوئید [و نوازش کرد]. همسر جعفر، اسماء گفت: پدر و مادرم فدای شما باد، چه چیز شما را می گریاند؟ آیا از جعفر و یاران او چیزی به شما رسیده؟ فرمود:

« آری، امروز شهید شدند ».

اسماء گفت: من برخاستم و صیحه زدم و زنان را گرد آوردم، وارد خانه فاطمه که شدم، دیدم او می گرید و می گوید: وای عمویم! و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) [که چنین دید] فرمود:

« به راستی که گریه کنندگان، باید بر مثل جعفر بگریند ». (۱)

پاورقی:

---

۱- تاریخ ابن اثیر، ج ۲، ص ۹۰ و دیگر کتب مورد اشاره در متن، در شرح حال جعفر طیار.

## ۷- گریه پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر مزار مادرش آمنه

در صحیح مسلم، مسند احمد، سنن ابی داود، نسائی و ابن ماجه روایت کنند: (۱)

ابوهریره گوید: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) قبر مادرش را زیارت کرد و گریست و همه اطرافیان را گریانید. (۳)

گریه پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر فرزندش حسین (علیه السلام) در مناسبت‌های گوناگون

### ۱- حدیث ام الفضل

در مستدرک صحیحین، تاریخ ابن عساکر، مقتل خوارزمی و دیگر کتب مکتب خلفا آمده است: (۳)

از ام الفضل دختر حارث روایت کنند که او بر پیامبر خدا وارد شد و گفت: ای رسول خدا! من در شب گذشته خواب ناخوشایندی دیدم! فرمود: «چه دیده ای؟» گفت: خیلی سخت است! فرمود: «چیست؟» گفت: دیدم گویا قطعه ای از جسد شما جدا شد و در دامنم قرار گرفت! رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «چیز خوبی دیده ای؛ فاطمه - انشاء الله - پسری به دنیا پاورقی:

۱- عبارت متن از صحیح مسلم است.

۲- صحیح مسلم، ج ۲، ص ۶۷۱، کتاب الجنائز، باب ۳۶، حدیث ۱۰۸؛ مسند احمد، ج ۲، ص ۴۴۱؛ سنن نسائی، ج ۴، ص ۹۰، کتاب الجنائز؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۵۰۱، حدیث ۱۵۷۲.

۳- عبارت متن از مستدرک است.

می آورد و در دامان تو جای می گیرد» [گوید:] پس از آن، فاطمه همان گونه که پیامبر فرموده بود حسین را به دنیا آورد، و او در دامن من جای گرفت. روزی خدمت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) رسیدم و حسین را در دامان آن حضرت نهادم، اندکی بعد توجهش از من منحرف شد، به ناگاه دیدم دیدگان پیامبر (صلی الله علیه و آله) سیل آسا اشک می بارد! گوید: گفتیم: ای نبی خدا! پدر و مادرم به فدایت، شما را چه می شود؟ فرمود: «جبرئیل - علیه الصلاة والسلام - به دیدارم آمد و به من خبر داد که: امتم به زودی این پسر را می کشند». گفتیم: این را؟ فرمود: «آری، او قدری از تربت سرخش را نیز برای من آورد».

حاکم صاحب مستدرک صحیحین گوید: این حدیث با شرایط شیخین [بخاری و مسلم] حدیثی صحیح است، ولی آن را نیاورده اند. (۲)

## ۲- روایت زینب بنت جحش

در تاریخ ابن عساکر، مجمع الزوائد، تاریخ ابن کثیر و دیگر کتب مکتب خلفا روایت کنند: (۳)  
پاورقی:

- 
- ۱- مستدرک صحیحین، ج ۳، ص ۱۷۶ و فشرده آن در ص ۱۷۹؛ تاریخ ابن عساکر، حدیث ۶۳۱ و نزدیک به آن در حدیث ۶۳۰؛ مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۷۹؛ مقتل خوارزمی، ج ۱، ص ۱۵۹-۱۶۲؛ تاریخ ابن اثیر، ج ۶، ص ۲۳۰. در ج ۸، ص ۱۹۹ نیز به آن اشاره کرده است.
  - امالی شجری، ص ۱۸۸؛ فصول المهمة ابن صباغ مالکی، ص ۱۴۵؛ روض النضیر، ج ۱، ص ۸۹؛ صواعق، ص ۱۱۵، و در چاپ دیگر ص ۱۹۰. کنز العمال، ج ۶، ص ۲۲۳، چاپ قدیم. الخصائص الکبری، ج ۲، ص ۱۲۵. در کتابهای مکتب اهل بیت (علیهم السلام) نیز، در مثیر الاحزان، ص ۸ و لهوف ابن طاوس، ص ۶ و ۷ آمده است.
  - ۳- عبارت از تاریخ ابن عساکر و فشرده آن است.

زینب گوید:

« در یکی از اوقات که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در خانه من بود و من حسین تازه به راه افتاده را نگه می داشتم، لحظه ای از وی غافل شدم و او نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) رفت. فرمود: «آزادش بگذار». - تا آنجا که گوید - سپس دستش را بلند کرد. پس از آنکه پیامبر نمازش را به انجام رسانید، گفتم: ای رسول خدا! من امروز کاری را از شما دیدم که تا به حال ندیده بودم؟ فرمود: «جبرئیل نزد من آمد و به من خبر داد امت من این [فرزندم] را می کشند. گفتم: پس تربتش را به من نشان بده و او تربت سرخ رنگی برایم آورد». (۱)

### ۳- روایت عایشه

در تاریخ ابن عساکر، مقتل خوارزمی، مجمع الزوائد و دیگر کتب پیروان مکتب خلفا از ابی سلمه بن عبدالرحمن روایت کنند: (۲)

پاورقی:

۱- تاریخ ابن عساکر، شرح حال امام حسین (علیه السلام)، حدیث ۶۲۹؛ مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۸۸؛ کنز العمال، ج ۱۳، ص ۱۱۲؛ ابن کثیر نیز در تاریخ خود، ج ۸، ص ۱۹۹ به آن اشاره کرده است. در کتابهای پیروان مکتب اهل بیت (علیهم السلام) نیز، در امالی شیخ طوسی، ج ۱، ص ۳۲۳؛ مثير الاحزان، ص ۷ - ۱۰، که در پایان آن تنمه مهمی است، و همچنین در لهوف، ص ۷-۹، ام المؤمنین زینب بنت جحش زوجه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است.

۲- عبارت خوارزمی را آوردیم.

عایشه گوید:

« رسول خدا (صلی الله علیه و آله) که حسین را بران خود نشانید، جبرئیل نزد او آمد و گفت: این پسر توست؟ » فرمود: « آری »، گفت: ولی امتت به زودی پس از تو او را می کشند. دیدگان پیامبر (صلی الله علیه و آله) اشکبار شد. جبرئیل گفت: اگر بخواهی سرزمینی را که در آن کشته می شود به تو نشان می دهم. فرمود: « آری، چنین کن ». جبرئیل نیز، خاکی از سرزمین طف [کربلا] را به آن حضرت نمایاند ».

در عبارت دیگری چنین است: جبرئیل به سوی سرزمین طف در عراق اشاره کرد و تربتی سرخ فام برگرفت و به او نشان داد و گفت:

« این از تربت قتلگاه اوست ». (۱)

در این باب روایات دیگری است که خبر دادن فرشتگان به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) درباره شهادت امام حسین (علیه السلام) را تأیید می کند. مانند:

پاورقی:

---

۱- طبقات ابن سعد، حدیث ۲۶۹؛ تاریخ ابن عساکر، شرح حال امام حسین (علیه السلام)، حدیث ۶۲۷؛ مقتل خوارزمی، ج ۱، ص ۱۵۹؛ مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۸۷ و ۱۸۸؛ کنز العمال، ج ۱۳، ص ۱۰۸ چاپ جدید و ج ۶، ص ۲۲۳ چاپ قدیم؛ الصواعق المحرقة ابن حجر، ص ۱۱۵؛ خصائص السيوطی، ج ۲، ص ۱۲۵ و ۱۲۶؛ جوهرة الكلام للقره غولی، ص ۱۱۷؛ امالی شیخ طوسی از کتب پیروان مکتب اهل بیت (علیهم السلام)، ج ۱، ص ۳۲۵؛ امالی شجری، ص ۱۷۷ مشروح.

## ۱- روایت ام سلمه

در مستدرک صحیحین، طبقات ابن سعد، تاریخ ابن عساکر و دیگر کتب پیروان مکتب خلفا روایت کنند (۱) که راوی گفته است:  
ام سلمه (رضی الله عنه) مرا خبر داد که:

« یک شب رسول خدا (صلی الله علیه و آله) برای خواب در بستر شد و [اندکی] بعد با حالتی افسرده بیدار گردید؛ سپس خوابید و آرام گرفت و دوباره با حالتی سبکتر از آنچه در مرحله اول دیده بودم، بیدار شد؛ سپس خوابید و باز هم در حالتی که تربت سرخ فامی در دست داشت و آن را می بوسید از خواب بیدار شد. عرض کردم: ای رسول خدا! این تربت چیست؟ فرمود: « جبرئیل مرا خبر داد که این [حسین علیه السلام] در سرزمین عراق کشته می شود. به جبرئیل گفتم: تربت زمینی را که در آن کشته می شود به من نشان بده و این تربت آنجاست ».

حاکم گوید: این حدیث با شرایط شیخین [بخاری و مسلم] حدیثی صحیح است ولی آن را در کتب خود نیاورده اند. (۲)  
پاورقی:

۱- عبارت از مستدرک است.

۲- مستدرک صحیحین، ج ۴، ص ۳۹۸؛ المعجم الکبیر طبرانی، حدیث ۵۵؛ تاریخ ابن عساکر، حدیث ۶۱۹؛ طبقات ابن سعد، تحقیق و نشر، عبدالعزیز طباطبائی، ص ۴۲، ۴۴، حدیث ۶۲۸؛ تاریخ الاسلام ذهبی، ج ۳، ص ۱۱؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۳، ص ۱۹۴ و ۱۹۵؛ مقتل خوارزمی، ج ۱، ص ۱۵۸ و ۱۵۹؛ ذخائر العقبی، محب الطبری، ص ۱۴۸ و ۱۴۹؛ تاریخ ابن کثیر، ج ۶، ص ۲۳۰؛ کنز العمال، متقی، ج ۱۶، ص ۲۶۶.

## ۲- حدیث انس بن مالک

در مسند احمد، المعجم الکبیر طبرانی، تاریخ ابن عساکر و دیگر کتب  
پیروان مکتب خلفا روایت می کنند که: (۱)

انس بن مالک گوید:

«یکی از فرشتگان به نام قطر از پروردگار خود اجازه خواست  
تا به دیدار پیامبر (صلی الله علیه و آله) بیاید؛ خداوند اذنش داد  
و او در روز نوبت ام سلمه وارد شد. پیامبر (صلی الله علیه و آله)  
به ام سلمه فرمود: «مواظب باش کسی در مجلس ما وارد  
نگردد». در همان حال که او بر درب اطاق بود ناگهان حسین بن  
علی (علیهما السلام) سر رسید و در را گشود و وارد شد. رسول  
خدا (صلی الله علیه و آله) نیز، او را در برگرفت و بوسه باران  
کرد. آن فرشته گفت: دوستش داری؟ فرمود: «آری».  
گفت: امتت به زودی او را می کشند! اگر بخواهی مکانی را که  
در آن کشته می شود به تو نشان می دهم؟ فرمود: «آری».  
گوید: آن فرشته مشتی از مکان کشته شدن او را برگرفت و به  
آن حضرت نمایاند، پس از آن قدری ماسه یا خاک سرخ آورد. ام  
سلمه آن را گرفت و در جامه خود نهاد. راوی حدیث، ثابت،

پاورقی:

---

۱- عبارت متن از مسند احمد بن حنبل است.

گوید: ما - در آن زمان - می گفتیم: این کربلاست! (۱)

(ب) روایاتی که می گوید: پیامبر (صلی الله علیه و آله) از گریه کردن نهی فرمود، و منشأ این روایات

در صحیح مسلم و سنن نسائی از عبدالله روایت کنند: حفصه بر [حال] عمر گریست. عمر گفت: آرام باش دخترم! آیا نمی دانی که پیامبر فرموده:

«میت به خاطر گریه بستگانش بر او، عذاب می بیند؟» (۲)

در روایت دیگری آمده است:

عمر گوید: پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود:

پاورقی:

۱- مسند احمد، ج ۳، ص ۲۴۲ و ۲۶۵؛ تاریخ ابن عساکر، شرح حال امام حسین علیه السلام، حدیث ۶۱۵-۶۱۷ و تهذیب آن تاریخ، ج ۴، ص ۳۲۵؛ معجم الکبیر طبرانی، شرح حال امام حسین (علیه السلام)، حدیث ۴۷؛ مقتل خوارزمی، ج ۱، ص ۱۶۰ و ۱۶۲؛ تاریخ الاسلام ذهبی، ج ۳، ص ۱۰؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۳، ص ۱۹۴؛ ذخائر العقبی، ص ۱۴۶ و ۱۴۷؛ مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۸۷ و ۱۹۰، به سند دیگر؛ تاریخ ابن کثیر، باب الاخبار بمقتل الحسین، ج ۶، ص ۲۲۹ که در عبارت آن چنین است: «ما می شنیدیم که او در کربلا کشته می شود» و ج ۸، ص ۱۹۹؛ کنز العمال، ج ۱۶، ص ۲۶۶. الصواعق المحرقة؛ ابن حجر، ص ۱۱۵؛ الدلائل ابی نعیم، ج ۳، ص ۲۰۲؛ الروض النضیر، ج ۱، ص ۱۹۲؛ المواهب المدنیة قسطلانی، ج ۲، ص ۱۹۵؛ خصائص سیوطی، ج ۲، ص ۲۵؛ موارد الضمان بزوائد صحیح ابن حبان، ابوبکر هیتمی، ص ۵۵۴. در کتب پیروان مکتب اهل بیت (علیهم السلام) نیز، امالی شیخ طوسی [ت/ ۴۶۰ هجری]، ج ۱، ص ۲۲۱ که در عبارت آن چنین است: «بزرگی از بزرگان ملائکه...». ۲- صحیح مسلم، ج ۲، ص ۶۳۹، کتاب الجنائز، باب المیت یعذب ببكاء اهله علیه؛ سنن نسائی، ج ۴، ص ۱۸، کتاب الجنائز، باب النهی عن البكاء علی المیت.

« میت در قبر به خاطر نوحه و زاری بر او عذاب می بیند ». (۱)

و در دیگری:

عبدالله بن عمر گوید: هنگامی که عمر ضربت خورد، مدهوش گردید. بدین خاطر، بر او صیحه و شیون کردند. چون به هوش آمد گفت: آیا نمی دانید که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود:

« میت به خاطر گریه زنده عذاب می بیند ». (۲)

## استدراک عایشه بر حدیث و رفع اشتباه از عمر و

پسرش

در صحیح بخاری، صحیح مسلم و سنن نسائی روایت کنند:  
ابن عباس گوید: به مدینه که رسیدیم، امیرالمؤمنین [عمر] هنوز استقرار نیافته بود که ضربت خورد. صهیب با فریاد: وای برادرم! وای یاورم! بر بالین او آمد. عمر گفت: آیا نمی دانی، آیا نشنیده ای که پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود:

پاورقی:

- 
- ۱- صحیح مسلم، ج ۲، ص ۶۳۹: صحیح ترمذی، ج ۴، ص ۲۲۲، کتاب الجنائز، باب ۲۴؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۵۰۸، کتاب الجنائز، باب الميت یعذب بما نیح علیه.  
۲- صحیح مسلم، ج ۲، ص ۶۳۹: سنن نسائی، ج ۴، ص ۱۸.

« میت به خاطر برخی گریه های بستگانش عذاب می بیند؟ »

ابن عباس گوید: من برخاستم و نزد عایشه رفتم و از آنچه گذشته بود آگاهش کردم. عایشه گفت: نه به خدا! رسول خدا هرگز نفرموده: « میت به خاطر گریه کسی عذاب می بیند » بلکه فرموده:

(إِنَّ الْكَافِرَ يَزِيدُهُ اللَّهُ بِبُكَاءِ أَهْلِهِ عَذَابًا وَ إِنَّ اللَّهَ لَهُوْ أَضْحَكُ وَ أَبْكِي، وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى).

خداوند کافر را به خاطر گریه بستگانش بیشتر عذاب می کند، و خداوند است که می خنداند و می گریاند، و هیچ کس بار گناه دیگری را بر ندارد.

قاسم بن محمد گوید: هنگامی که سخن عمر و پسرش به عایشه رسید گفت: شما مرا از کسانی خبر می دهید که نه دروغ گویند و نه دروغ زن، ولی [به هر حال] گوش آدمی خطا می شنود. (۱)  
در صحیح مسلم، صحیح بخاری، سنن ترمذی و موطأ مالک روایت کنند: هشام بن عروه از پدرش، گوید:

« در نزد عایشه گفته شد که ابن عمر گفته است: « میت به خاطر گریه بستگانش بر او، عذاب می بیند ». عایشه گفت: خدای بر ابا عبدالرحمن ببخشاید، چیزی را شنیده ولی خوب در نیافته،

پاورقی:

۱- صحیح مسلم، کتاب الجنائز، باب ۹، حدیث ۲۲ و ۲۳؛ صحیح بخاری، کتاب الجنائز، باب یعذب الميت ببكاء اهله علیه، ج ۱، ص ۱۵۵ و ۱۵۶؛ سنن نسائی، ج ۴، ص ۱۸، کتاب الجنائز، باب النياحة على الميت؛ الاجابة لا يراد ما استدرکته عایشه علی الصحابة، زرکشی، ص ۸۲، باب استدراکها علی عمر بن الخطاب.

[قضیه چنین بود که:] جنازه فردی یهودی را در حالی که بر او می گریستند از کنار پیامبر (صلی الله علیه و آله) عبور دادند، آن حضرت فرمود: « شما می گریید و او عذاب می شود ». (۱)

امام نووی [متوفای ۶۷۶ هجری] در شرح صحیح مسلم، درباره روایات نهی از گریستن که از رسول خدا روایت شده، گوید: این روایات تنها از روایت عمر و پسرش عبدالله است. عایشه آنها را انکار کرده و آن را از نسیان و فراموشی و اشتباه آن دو دانسته، و منکر صدور آن از پیامبر (صلی الله علیه و آله) شده است. (۲)

## رسول خدا (صلی الله علیه و آله) عمر را از نهی، نهی می کند

در سنن نسائی، سنن ابن ماجه و مسند احمد روایت کنند که: (۳) سلمه بن ازرق گوید: شنیدم که ابو هریره می گفت: یکی از بستگان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از دنیا رفت، زنان جمع شده و بر او گریه می کردند،

پاورقی:

- 
- ۱- صحیح مسلم، کتاب الجنائز، باب ۹، حدیث ۲۵؛ صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۵۶، کتاب الجنائز، باب المیت یعذب ببكاء بعض اهلہ؛ صحیح ترمذی، کتاب الجنائز، باب ۲۵، ج ۴، ص ۲۲۶ و ۲۲۷؛ موطأ مالک، ج ۱، ص ۲۳۴، کتاب الجنائز، باب النهی عن البكاء علی المیت.
  - ۲- شرح صحیح مسلم، الامام النووی، ج ۶، ص ۲۲۸، کتاب الجنائز.
  - ۳- عبارت نسائی را آوردیم.

عمر برخاست و آنان را بازداشته و پراکنده می کرد، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود:

« عمر! آنان را به حال خود واگذار که چشمها اشکبار، دلها مصیبت دیده و داغشان تازه است ». (۱)

در مسند احمد از وهب بن کیسان از محمد بن عمرو روایت کند که: سلمه بن ازرق با عبدالله بن عمر در بازار نشسته بودند که عده ای جنازه ای را عبور داده و بر آن می گریستند. عبدالله بن عمر این کار را ناپسند شمرده و آنان را طرد کرد. سلمه بن ازرق به او گفت: چنین مگو! زیرا من خود شاهد بودم و از ابو هریره شنیدم - زنی از بستگان مروان جان سپرده بود و مروان دستور می داد زنانی را که بر او می گریستند از آنجا برانند - ابو هریره که بر سر جنازه آمده بود گفت: ای ابا عبد الملک! آنان را به حال خود واگذار، زیرا جنازه ای را از مقابل پیامبر (صلی الله علیه و آله) عبور دادند. من و عمر بن خطاب نیز، در کنار آن حضرت بودیم. عمر شروع به راندن زنانی کرد که همراه جنازه می گریستند. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود:

« پسر خطاب! آنان را به حال خود وا گذار که جانشان مصیبت دیده، چشمشان اشکبار و داغشان تازه است ». (۱)

پاورقی:

۱- سنن نسائی، ج ۲، ص ۱۹، باب الرخصة فی البكاء علی المیت؛ مسند احمد، ج ۲، ص ۱۱۰، ۲۷۳، ۴۰۸ و ۴۴۴؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۵۰۵، کتاب الجنائز، باب ما جاء فی البكاء علی المیت، حدیث ۱۵۸۷.

۱- مسند احمد، ج ۲، ص ۲۷۳ و ۴۰۸ و نزدیک به آن در ص ۳۳۳.

## مقایسه روایات و نتیجه آن

روایات بخش اول اثبات کرد: گریه کردن بر محتضر و کسی که در حال جان دادن است و کسی که جان سپرده و نیز، گریه بر مزار مردگان - شهید باشد یا غیر شهید - از سیره پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می باشد.

روایات بخش دوم اثبات کرد: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بارها بر فرزند شهیدش [حسین (علیه السلام)] گریه کردند، و با اثبات آن، گریه آن حضرت بر حسین (علیه السلام) به بخش اول می پیوندد و از سیره و سنت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به شمار می آید.

روایات بخش سوم اثبات کرد: روایات نهی پیامبر (صلی الله علیه و آله) از گریه بر میت، تنها از سوی خلیفه دوم و پسرش عبدالله است؛ و از استدراک ام المؤمنین عایشه بر آنها که گفت:

« خدای ببخشاید ابا عبدالرحمن را، چیزی را شنیده ولی در

نیافته ».

و سخنان دیگر صحابه مانند: ابو هریره و ابن عباس پیرامون این موضوع درمی یابیم که:

آنچه خلیفه دوم و پسرش عبدالله درباره « نهی پیامبر (صلی الله علیه و آله) از گریستن بر میت » روایت کرده اند، خطا و اشتباه است. بنابراین، گریستن بر کسی که در حال مردن است، و گریستن بر میت، و

گریستن بر مزار میت، از سیره و سنت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است. از این رو، گریه بر حسین (علیه السلام) نیز، پیروی از سیره و سنت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می باشد.

کتاب رضا خانی

وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ

ساعت: ۱۲/۰۴

روز: چهارشنبه

۰۵ / خرداد ماه / ۱۳۹۵

کرمرضا خزلی

یار مهربان

[www.bagheminoo.com](http://www.bagheminoo.com)

[baghemino.1339@gmail.com](mailto:baghemino.1339@gmail.com)

[Tel:09125411283-09356411283](tel:09125411283-09356411283)

کرم رضا خانی